

فکری و تبلور اجتماعی آن اشاره و متعاقب آن به تبعات مستقیم عصر مدرن یعنی معماری مدرن می‌پردازد و با تقسیم آن به سه دوره اولیه، متعالی و متاخر، به زمینه‌های فکری، طرح‌های معماری و معماران شاخص در هر یک از سه دوره پرداخته می‌شود.

در بحث پسامدرن، ابتدا بحث فلسفی این دوره یعنی پست‌مدرنیته مطرح و سپس مکاتب و سبک‌های گوناگون معماری بررسی می‌شوند. در بخش اول، نویسنده معتقد است که بررسی معماری مدرن بدون توجه به زمینه‌های فکری مدرنیته و تحولاتی که در پی آن آمده همچون انسان‌گرایی، علم‌مداری، دین‌پیرایی، روشنگری و انقلاب صنعتی امری ناقص خواهد بود. تحولاتی که هر کدام در پیشبرد تفکر ذهنی مدرن و جهان مدرن نقشی اساسی و تعیین‌کننده داشته‌اند و در واقع معماری مدرن حاصل کالبدی چهار سده اخیر است.

اما تحولاتی که در حوزه معماری و طی سه دهه‌ی پایانی قرن بیستم در غرب رخ داده منجر به تزلزل ارکان تنها سبک جهانی در بخش عمده‌ای از قرن بیستم یعنی معماری مدرن گردیده است. تحولاتی که ریشه در تغییرات بنیادین فکری و اجتماعی و دگرگونی نگرش نسبت به خود و جهان پیرامون در غرب داشته است. تغییراتی که با انتقادات نیچه از مدرنیته از اواخر قرن نوزده در آلمان شروع و توسط اندیشمندانی چون فروید، هایدگر، دریدا، دلوز، لیوتارد و دیگران بسط و گسترش یافت. بخش دوم نیز همانند بخش اول ابتدا فلسفه و سپس نمود کالبدی آن در معماری مورد توجه قرار گرفته است. در بخش پایانی کتاب سه جدول گنجانده شده است که در جدول ۱، ابتدا منبع الهام، اهداف، لغات کلیدی در سبک‌های مختلف معماری معاصر در غرب آمده و خواننده را با اهداف و اصول کلی هر یک از سبک‌ها آشنا می‌کند. جدول ۲ به معماران سبک‌های مختلف معماری معاصر در غرب اشاره می‌کند و در جدول ۳ نیز به ایده‌ها و شعارهای سبک‌های مختلف و ساختمان‌های ساخته شده براساس آن ایده‌ها اشاره گردیده است. در پایان به منابع مطالعاتی در زمینه‌ی مدرنیته، پست‌مدرنیته و معماری معاصر غرب پرداخته شده است.

آنچه از این نوشته برمی‌آید گویای تلاش و حرکت در زمان است. گام‌های بلندی که امروزه در حوزه اطلاع‌رسانی برداشته می‌شود، مضمونی از حقیقتی است که در مقابل سکون و جزم‌گرایی اندیشه و عقاید فرسوده قرار گرفته است. اما این تلاش نگاهی وسیع و چندمنظوره‌ای را طالب است. نگاهی گسترده به جوامع امروز و دریافت تئوری معماری که بدون پایه اجتماعی تمدن بشری امری بسیار مشکل خواهد بود. در معماری نوین، اندیشه‌ای نوین جاری است. نظریه‌پردازان و مورخان تاریخ و معماری معاصر، از بنه‌ولو تا نوربرگ، جنکز و کورتس به معرفی پرده‌هایی از معماری پرداخته‌اند که در ظرفی مرتبط با اصول و رشته‌های دیگر تمدن بشری بوده است. معماری خارج از تمدن بشری نیست و شاید بهترین نمود آن، وقایع روز آن است و زیبایی‌شناسی و عدم وجود آن را باید در نیروهای جوامع و حرکت‌ها جست‌وجو کرد.

کتاب حاضر بر آن است تا بتواند به تبیین مبانی و مفاهیمی بپردازد که این بناها براساس آن شکل گرفته‌اند. چرا که رابطه‌ی ما با معماری غرب همواره جنبه‌ی شکلی داشته است و آنچه عیان بوده تنها شکل‌ها، گراورها و عکس‌ها از بناهای غربی بوده است. آنچه نویسنده در پی آن است همان‌اتوجه به زیربناهای فکری در معماری امروز خود و منابع الهام آن است، چرا که وی شرط ارتقاء معماری ایران و ورود به حوزه‌ی فکری در حیطه‌ی فرهنگی کشور و مطرح شدن در سطح معماری بین‌المللی را در گرو همین توجه می‌داند. درست است که این مبانی و مفاهیم، مباحثی ثابت و قطعی نیستند، اما مزیت آشنایی با آنها، آشنا شدن با تفکراتی ورای اشکال زیباست و همچنین مطرح شدن پرسش‌هایی پیرامون مبانی معاصر ایران و شاید هم تبیین اصول فکری آن باشد.

بحث اصلی کتاب بر روی تحولات معماری غرب در صدسال اخیر متمرکز شده و در پی ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش و وقوع این تحولات است. نویسنده در بخش اول به معماری مدرن و در بخش دوم به معماری بعد از مدرن می‌پردازد.

در بحث معماری مدرن ابتدا به مدرنیته و اصول